

ایستگاه دوم پروژه چینه؛ شهر کتاب مرکزی

دومین نمایشگاه فروش آثار هنری پروژه چینه، عصر جمعه در شهر کتاب مرکزی کار خود را آغاز می‌کند. سعید برآبادی، روزنامه‌نگار و

طراح و مجری این پروژه، با اعلام این خبر به «توسعه ایرانی»، گفت: «خوشبختیم که اعلام کنیم، این بار نمایشگاه چینه‌ها در اختیار ۵۱ هنرمند و بیش از ۵۰۰ اثر هنری قرار دارد که از گوشه گوشه کشور در یک کنار هم قرار گرفته‌اند.» وی افزود: «این دوره ویژه آثاری است که در محدوده قیمتی ۱۰۰ هزار تومان تا ۱۰ میلیون تومان قرار دارند و از این زاویه، نمایشگاه چیزهایی می‌تواند یکی از بهترین و آسان‌ترین مسیرهای خرید آثار هنری در شرایط کنونی به شمار بیاید.» به گفته برآبادی «اگر علاقه‌مند به آثار هنری هستید و به دنبال جایی می‌گردید که این آثار را با بهترین کیفیت، ضمانت اصالت اثر و ارزان‌ترین قیمت خریداری کنید، دومین نمایشگاه چیزها در طبقه بالای شهر کتاب مرکزی، پیشنهاد خوبی است.»

قائم مقام وزیر ارشاد: نظارت بر شبکه نمایش خانگی فرافوقه‌ای می‌شود

گفت: پیشنهاد وزارت ارشاد برای نمایش خانگی ما این است که برای این حوزه تنظیم‌گری چیزی شبیه مدل هیات نظارت بر مطبوعات باشد که فراسازمانی، فراقبضی و فرافوقه‌ای عمل می‌کند، یعنی از خودبخش‌های درگیر هم نماینده‌ای در این شورا خواهند بود. به گزارش سایت دیده‌بان ایران؛ سعیدمحمد هاشمی افزود: ما از معهود کشورهای همسایه که این صنعت نمایش خانگی را در کشور به طور جدی داریم و افق‌های روشنی را برای آن مشاهده می‌کنیم، باید خوشامان باشد در یک کشمکش سیاسی یارقابیتی این مزیت را تبدیل به یک چالش بیهوده نکنیم. به گفته وی، جامعه به شدت مشتری‌محوی سالم‌فرهنگی است و تقویت تولیدات سالم فرهنگی وظیفه‌ای است که بر دوش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سنگینی می‌کند.

آهنگساز آثار مهدی یراحی بازداشت شد

تربیب هنر نوشت: بر اساس اخبار رسیده، کوشان حداد، آهنگساز و تنظیم‌کننده به همراه مهدی یراحی بازداشت شده است. حداد که همکاری‌هایی با مهدی یراحی در زمینه تنظیم آثارش داشته، در ششم شهریور به همراه او بازداشت شده است. هنوز دلیل بازداشت کوشان حداد اعلام نشده است. حداد، متولد دهم اسفند ۱۳۵۸، از اوایل دهه ۸۰ در موسیقی پاپ فعالیت داشته است و در دورانی یکی از پرکارترین تنظیم‌کننده‌های این عرصه بوده است. او در این سال‌ها با خواننده‌های مختلفی از جمله محسن یگانه، فرزاد فرزند، بابک جهانبخش، علی اصحابی، بهنام صفوی و مهدی یراحی همکاری داشته است. با اعلام قوه قضاییه، در پی انتشار ترانه‌ای غیرقانونی از سوی مهدی یراحی و تشکیل پرونده قضایی، این خواننده با دستور دادستان تهران بازداشت شد.

کودکان پاکستانی مهمان تماشاخانه سیار کانون پرورش فکری

یک تماشاخانه سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با استقرار در مرز میرجاوه و با همکاری کانون استان سیستان و بلوچستان، به ارایه فعالیت‌های متنوع فرهنگی، هنری و ادبی با محوریت رابعین و قیام عاشورا برای کودکان و نوجوانان می‌پردازد. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، این تماشاخانه سیار است که استان خراسان رضوی راهی مرز میرجاوه شده است برنامه‌های متنوعی از جمله پخش نماهنگ، نقاشی، قصه‌گویی و... اجرا می‌کند. اهدای دست‌سازهای همکاران کانون خراسان رضوی به کودکان و نوجوانان پاکستانی از دیگر برنامه‌های تماشاخانه سیار است که خاطرهای به یادماندنی از فعالیت‌های کانون در ذهن آنها به جامی گذارد. تماشاخانه سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳ تا شهریور ۱۴۰۲ میزبان کودکان پاکستانی است.



ارقام گزارش‌های مالی اداره کل هنرهای نمایشی، بیش از آنکه عظیم باشند، باور ناپذیرند؛ هفته دولت یا هفته انحراف اذهان عمومی؟

گذشته‌روی صحنه رفته است. البته این رقم نیز تفکیک نشده است و مشخص نیست چه میزان از اجراها صحنه‌ای یا خیابانی، جشنواره‌ای یا اجرای عمومی است. با اعلام آنکه در مجموعه ۳۹ هزار و ۲۸۹ بار نمایش روی صحنه رفته است می‌توان فهمید هر اجرا برابر با ۷۷ نفر مخاطب داشته و میانگین ۱۶۵ اجرا به ازای هر نمایش بوده است. با توجه به آنکه به صورت سنتی رقم ۱۵ اجرا در هر نوبت برای یک نمایش کفا اجرا در ایران به حساب می‌آید، رقم ۶۵ می‌تواند نشان‌دهنده یک وضعیت بد باشد. اما مسأله صرفاً این نیست. در گزارش آمده است «۱۸۶ گروه از کمک‌هزینه حمایتی نمایشی در تهران و ۱۲۵ گروه از کمک‌هزینه حمایتی هنرمندان در استان‌های دیگر بهره‌مند شده‌اند.» این بخش گزارش با واکنش تند در شهرستان‌ها روبرو شده است. برای مثال در یک مورد جذاب از سوی انجمن‌های نمایش استان‌ها پیامی در فضای مجازی منتشر می‌شود. در این پیام آمده است:

«هالی تئاتر استان‌ها، گروه‌های همواره پر تلاش تئاتر کشور، در روزهای گذشته به مناسبت هفته دولت گزارشی مبنی بر حمایت از گروه‌های تئاتر و اجرای عمومی و... توسط اداره کل هنرهای نمایشی وزارت ارشاد منتشر شد که سوالات بسیاری برای فعالان تئاتر کشور ایجاد کرده است. به همین دلیل به اطلاع همه گروه‌های تئاتری استان‌ها می‌رسانیم در «دو سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی تجربه کنند به توافق دست یافته‌اند. آثار متأخر افشاریان را می‌توان واکنش غمبار به اتفاقات اجتماعی و سیاسی معاصر دانست آن هم با نگاهی کمابیش حسرت‌بار و نوستالژیک به گذشته. فرم مورد علاقه افشاریان تک‌گویی‌هایی است شاعرانه و گاه طنزانه از باب مسائل مختلف جامعه ایران معاصر. این تک‌گویی‌ها که گاه شبیه سخنرانی‌های انگیزشی فستیوال TED است گاهی اوقات افشاریان را تا مقام یک مصلح اجتماعی بالای می‌برد که لایالی گفتار بلاغی‌اش، حکمت‌زدگی در دوران مدرن را می‌آموزاند. مخاطب این تک‌گویی‌ها طیف متنوعی از اقشار جامعه را شامل می‌شود: از تماشاگران حاضر در سالن اجرا تا سیاستمداران



احسان زیور عالم

این روزها در صندلی قدرت نشسته‌اند. در نمایش «بک تو بلک» خطاب این تک‌گویی‌ها با آنکه به ظاهر همسر و دوست شخصیت «علی» است؛ اما از این سطح فردی فراتر رفته و طیف گسترده‌ای از مردمان را خطاب می‌کند. به لحاظ فرم روایی با اجرایی روبرو هستیم که چندان آشکار نمی‌کند که آیا صحنه‌های همسر دوست علی واقعی است یا معطوف به ذهنیت شخصیت «علی» که این روزها بنابر هر دلیلی گرفتار زندان انفرادی است. این ابهام آنگاه معنادار می‌شود که ارجاعات به رخ داده‌های سیاسی و اجتماعی معاصر را گام‌ویگاه در گفتگوهای شخصیت علی می‌شنویم. به هر حال روایت کردن دقیق حساس و ملتئب سیاسی و اجتماعی در وضعیت ما ملاحظاتی دارد که در این نمایش هم به نوعی قابل مشاهده است. اما اجرایی نوستالژیک از طریق تمهیدات فرمال و نه‌الزاماً تاکیدی بر مسائل محتوایی، آن لحظات را یاد رنگ بیشتری از نظر بگذراند. اجرا تر جیح می‌دهد از خلال گفتگوی علی با دوست و همسر خویش که هیچ‌گاه در صحنه حضور فیزیکی آنان را مشاهده نمی‌کنیم اتصال با آن حوادث را رعینیت بخشد. بنابراین وقتی حضور همسر و دوست علی به میانجی صدا و البته حذف بدن بازنمایی می‌شود تا نواز و تک‌افادتگی شخصیت علی بیش از پیش آشکار شود، بالطبع حضور همه جانبه بدن علی که یادآور ویژگی‌های شخصیتی خود سجاد افشاریان هم هست بتدریج و به شکل فزاینده‌ای غلظت می‌یابد. افشاریان

در اغلب نقش‌هایی که در این سال‌ها نوشته و بازی کرده کمابیش شبیه خودش در زندگی هنری و اجتماعی بوده است. واقعیتی که با توجه به زست‌های بدنی، لحن، گفتار و حتی انتخاب کلمات بیش از گذشته مشهود است. اجرای «بک تو بلک» که کارنامه هنری افشاریان می‌تواند حرکت رو به جلویی باشد اگر که بپذیریم روایت بر محور زندگی یک سوژه انسانی همچون علی متمرکز شده و تلاش دارد از پرآکنندگی روایی نمایشی چون «هر کسی یاروز می‌میرد پاشب من شبانه‌روز» حذر کند. اما همچنان و سوسه شاعرانگی و نوستالژی‌گری در این اجرا هم مشاهده می‌شود. به هر حال وقتی قرار است زندگی یک زندانی که دقایق سختی را در زندان انفرادی می‌گذراند بازنمایی شود، بیش از آنکه گفتار زندانی دچار بحران شود، بدن جسمانی او است که تجربه زوال و ویرانی را از سر می‌گذراند. بنابراین در این اجرا بدن چندان سختی‌زدان را بازنمایی نمی‌کند و در مقابل این گفتار است که با شاعرانگی و نوستالژی، زمان تقریباً یک‌ساعته نمایش را به تسخیر خود در آورده است. از این باب «بک تو بلک» را می‌توان نمایشی کلام‌محور در خدمت بازتولید آن شکلی از اجزادانست که سجاد افشاریان در این سال‌ها به آن دامن زده و پرورش داده است. اگر قرار است این نمایش بازگشت به ظلمات زندگی یک محکوم به زندان انفرادی را بازتاب دهد، ادوات اجرایی این منظوره نه کلام که از قضانیروهای حیاتی بدن است.

در نهایت اجراهای پر طرفدار سجاد افشاریان را می‌توان از منظر جامعه‌شناختی مطالعه کرد و در باب سلیقه و ذائقه طبقه متوسط شهری در دوران معاصر به نتایجی رسید. اما خود افشاریان می‌توانند این اقبال به او را بر صحنه آوردن نمایش‌هایی که هرادی یکال را در یکال فزاینده‌ای از خود ساختند نخواهد بود اگر که افشاریان علیه آن چیزی که در تئاتر ما از خود ساختند و این روزها به «برند» تبدیل شده، موضع انتقادی نگیرد و اگر ضرورت تاریخی‌اش را حس کرد، از آن عبور کند. «بک تو بلک» به شکل استعاری نه‌عزیمت یک قهرمان به ظلمات هو لوناک زندگی و انتحار که از قضا سرفری است موفقیت‌آمیز به ساحل کامیابی یک کارگردان حال‌دیگر مشهور ایرانی که «سجاد افشاریان» نام دارد. حوادث پاییز پار سال، شبه‌گفتار انتقادی نمایش «بک تو بلک» را ملایم‌تر از گذشته کرده است. بنابراین بازتولید این اجرا در سالن اصلی تئاتر شهر، نشانه‌ای است از فضای متفاوت تئاتر کشور. به‌دیگر سخن، نمی‌توان با مناسبت قدیم به تولید تئاتر انتقادی در زمانه جدید مبادرت ورزید. چیزی تازه نیاز است که از تاریکی این «بک تو بلک» به روشنائی عزیمت کند. در همان دقایقی که برند سجاد افشاریان در حال محو شدن باشد و چهره‌های تازه‌ای از این نویسنده و کارگردان پدیدار شود که آثارش بر زیباشناسی بیش از سلبریتی بودن تکیه کند.

گزارش تئاتر

درباره نمایش «بک تو بلک» سجاد افشاریان

در تمنای ناممکن رادیکال بودن

محمد حسن خدایی

در آخرین ماه تابستان، اجراهای تازه‌ای با به صحنه گذاشته‌اند و نویدبخش روزهای پر فراز و نشیب تئاتری شده‌اند. ترافیک اجراها افزایش فزاینده‌ای به‌پناه‌های تولیدی، شک‌پر کیفیت آثار تأثیر منفی خواهد گذاشت. اما بعضی گروه‌های اجرایی تلاش دارند با بازیگران چهره، در این اقتصاد گرفتار رکود تورمی، اجرایی پر زرق و برق، گران‌قیمت و لاکچری برای فرادستان کلانشهر تهران عرضه کنند. نمایش «قصه ترانه‌های ماندگار» از این دست اجراهاست که قرار است در ایوان عطار کاخ سعدآباد اجرا شود و برای مخاطبان متمول این قبیل آثار، دقایق مفرحی خلق کند. اما سید جلال الدین در ی بنا به آثار قبلی خودش، نشان داده که مدیوم تئاتر را آن چنان که باید نمی‌شناسد و آثاری که بر صحنه می‌آورد به لحاظ زیباشناسی، ماندگار و قابل اعتنائیست به آن شکل. به هر حال نهاد اجتماعی تئاتر در ایران امروز شاهد عرضه محصولاتی است که در یک فضای رقابتی و عادلانه، می‌توانست بهتر از این باشد و خیل تماشاگران را واجد تجربه‌والای زیباشناسی کند.

این هفته بنابر اهمیت نمایش «بک تو بلک» سجاد افشاریان به‌این اجرا خواهیم پرداخت و در باب کیفیت این اثر، مذاقه خواهیم کرد. اجرایی که قبل از به‌صحنه آمدن دوباره در سالن اصلی تئاتر شهر، وارد حواشی مختلفی شد و نشر اخباری در فضای مجازی در باب ایده اصلی نمایش و داستانی که روایت می‌کند، واکنش تند افشاریان را در پی داشت. نمایش «بک تو بلک» همچنان مورد استقبال انبوه تماشاگران است و این می‌تواند بهانه‌ای باشد برای مطالعات جامعه‌شناختی در این رابطه. امید است در آینده نزدیک، اندیشمندان مطالعات فرهنگی با فتح بایی در این زمینه، چرایی این رویداد فرهنگی را تبیین و تفسیر کنند.

آخرین نمایشی که این روزها سجاد افشاریان بر صحنه آورده و با استقبال مخاطبان مواجه شده، روایتی است از لحظات تلخ و کشتار یک زندانی که «علی» نام دارد و دوران حبس خود را در شرایطی شبیه محکومان زندان انفرادی می‌گذراند. از این باب «بک تو بلک» را می‌توان روایتی از به پایان رسیدن امیدهای یک فرد زندانی و سرآغاز تاریکی بی‌پایان او دانست. اقبالی که مخاطبان به‌این نمایش بافضای تلخ از خود نشان داده‌اند نشانه‌ای است از توافقی نانوشته مابین افشاریان و دوستدارانش. پیام این توافق همدلانه می‌تواند این گونه تلقی شود که هر اثری از افشاریان که بر صحنه تئاتر به اجرا در می‌آید حتی با مضامینی جانکاه، بی‌شک موفقیت در گیشه

از نمایش‌ها کمک هزینه گرفته‌اند و باز معلوم نیست کدام نمایش‌ها، این مهم در دولت پیشین ممکن شده بود و دولت هر ساله بیلان مالی خود از جمله کمک‌هزینه‌ها را با مشخصات کامل اعلام می‌کرد، چیزی که دولت کنونی از آن اجتناب کرده است. با این حال مسأله استان‌ها می‌تواند محل جالبی باشد که دولت چه‌نقشی در آن ایفا می‌کند و اساساً چه‌رویکردی نسبت به آن دارد. برای آنکه نقدی عادلانه شکل بگیرد، به سراغ یکی از نمایش‌های موفق سال جاری خارج از تهران رفتیم تا ببینیم برای یک نمایش موفق با توجه به این آمار جذاب وضعیت به چه نحوی است.

پوریا قلی‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر است که پس از مراجعت از آلمان، سال‌ها است در زادگاهش کرمان مشغول به فعالیت است. برخلاف هم‌نسلاش که تهران را مقصد فعالیت خود بر می‌گزیند تا آخره قه‌مهاجرت بر تن می‌کنند، تصمیم می‌گیرد خارج از مرکز فعال باشد. فعالیت‌های آموزشی قلی‌پور در این سال‌ها منجر به اجراهای مختلف شده است که آخرینش «چه کسی مسیح را کشت؟» است. نمایشی انتقادی با رگه‌های سیاسی درباره نسبت حاکمان و مردمان، به لطف این تماشای نمایش از راه دور برای من میسر شد و دیدن آنبوهی هنرجوی جوان روی صحنه تئاتر کرمان که فاقد زیرساخت‌های تهران در حوزه اجرا و آموزش است، نویدبخش و امیدوارکننده بود. نمایشی که بیش از چهار سال تمرین‌ها و آموزش‌های صورت گرفته بود موفق می‌شود ۳۲ شب در کرمان روی صحنه برود. به یاد داشته باشیم میانگین اجرای آثار موفق در خارج از تهران عدد ۱۵ است و ما در این نمایش می‌پردازیم که دو برابر میانگین سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی تجربه کنند به توافق دست یافته‌اند. آثار متأخر افشاریان را می‌توان واکنش غمبار به اتفاقات اجتماعی و سیاسی معاصر دانست آن هم با نگاهی کمابیش حسرت‌بار و نوستالژیک به گذشته. فرم مورد علاقه افشاریان تک‌گویی‌هایی است شاعرانه و گاه طنزانه از باب مسائل مختلف جامعه ایران معاصر. این تک‌گویی‌ها که گاه شبیه سخنرانی‌های انگیزشی فستیوال TED است گاهی اوقات افشاریان را تا مقام یک مصلح اجتماعی بالای می‌برد که لایالی گفتار بلاغی‌اش، حکمت‌زدگی در دوران مدرن را می‌آموزاند. مخاطب این تک‌گویی‌ها طیف متنوعی از اقشار جامعه را شامل می‌شود: از تماشاگران حاضر در سالن اجرا تا سیاستمداران

از نمایش‌ها کمک هزینه گرفته‌اند و باز معلوم نیست کدام نمایش‌ها، این مهم در دولت پیشین ممکن شده بود و دولت هر ساله بیلان مالی خود از جمله کمک‌هزینه‌ها را با مشخصات کامل اعلام می‌کرد، چیزی که دولت کنونی از آن اجتناب کرده است. با این حال مسأله استان‌ها می‌تواند محل جالبی باشد که دولت چه‌نقشی در آن ایفا می‌کند و اساساً چه‌رویکردی نسبت به آن دارد. برای آنکه نقدی عادلانه شکل بگیرد، به سراغ یکی از نمایش‌های موفق سال جاری خارج از تهران رفتیم تا ببینیم برای یک نمایش موفق با توجه به این آمار جذاب وضعیت به چه نحوی است.

پوریا قلی‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر است که پس از مراجعت از آلمان، سال‌ها است در زادگاهش کرمان مشغول به فعالیت است. برخلاف هم‌نسلاش که تهران را مقصد فعالیت خود بر می‌گزیند تا آخره قه‌مهاجرت بر تن می‌کنند، تصمیم می‌گیرد خارج از مرکز فعال باشد. فعالیت‌های آموزشی قلی‌پور در این سال‌ها منجر به اجراهای مختلف شده است که آخرینش «چه کسی مسیح را کشت؟» است. نمایشی انتقادی با رگه‌های سیاسی درباره نسبت حاکمان و مردمان، به لطف این تماشای نمایش از راه دور برای من میسر شد و دیدن آنبوهی هنرجوی جوان روی صحنه تئاتر کرمان که فاقد زیرساخت‌های تهران در حوزه اجرا و آموزش است، نویدبخش و امیدوارکننده بود. نمایشی که بیش از چهار سال تمرین‌ها و آموزش‌های صورت گرفته بود موفق می‌شود ۳۲ شب در کرمان روی صحنه برود. به یاد داشته باشیم میانگین اجرای آثار موفق در خارج از تهران عدد ۱۵ است و ما در این نمایش می‌پردازیم که دو برابر میانگین سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی تجربه کنند به توافق دست یافته‌اند. آثار متأخر افشاریان را می‌توان واکنش غمبار به اتفاقات اجتماعی و سیاسی معاصر دانست آن هم با نگاهی کمابیش حسرت‌بار و نوستالژیک به گذشته. فرم مورد علاقه افشاریان تک‌گویی‌هایی است شاعرانه و گاه طنزانه از باب مسائل مختلف جامعه ایران معاصر. این تک‌گویی‌ها که گاه شبیه سخنرانی‌های انگیزشی فستیوال TED است گاهی اوقات افشاریان را تا مقام یک مصلح اجتماعی بالای می‌برد که لایالی گفتار بلاغی‌اش، حکمت‌زدگی در دوران مدرن را می‌آموزاند. مخاطب این تک‌گویی‌ها طیف متنوعی از اقشار جامعه را شامل می‌شود: از تماشاگران حاضر در سالن اجرا تا سیاستمداران

در اغلب نقش‌هایی که در این سال‌ها نوشته و بازی کرده کمابیش شبیه خودش در زندگی هنری و اجتماعی بوده است. واقعیتی که با توجه به زست‌های بدنی، لحن، گفتار و حتی انتخاب کلمات بیش از گذشته مشهود است. اجرای «بک تو بلک» که کارنامه هنری افشاریان می‌تواند حرکت رو به جلویی باشد اگر که بپذیریم روایت بر محور زندگی یک سوژه انسانی همچون علی متمرکز شده و تلاش دارد از پرآکنندگی روایی نمایشی چون «هر کسی یاروز می‌میرد پاشب من شبانه‌روز» حذر کند. اما همچنان و سوسه شاعرانگی و نوستالژی‌گری در این اجرا هم مشاهده می‌شود. به هر حال وقتی قرار است زندگی یک زندانی که دقایق سختی را در زندان انفرادی می‌گذراند بازنمایی شود، بیش از آنکه گفتار زندانی دچار بحران شود، بدن جسمانی او است که تجربه زوال و ویرانی را از سر می‌گذراند. بنابراین در این اجرا بدن چندان سختی‌زدان را بازنمایی نمی‌کند و در مقابل این گفتار است که با شاعرانگی و نوستالژی، زمان تقریباً یک‌ساعته نمایش را به تسخیر خود در آورده است. از این باب «بک تو بلک» را می‌توان نمایشی کلام‌محور در خدمت بازتولید آن شکلی از اجزادانست که سجاد افشاریان در این سال‌ها به آن دامن زده و پرورش داده است. اگر قرار است این نمایش بازگشت به ظلمات زندگی یک محکوم به زندان انفرادی را بازتاب دهد، ادوات اجرایی این منظوره نه کلام که از قضانیروهای حیاتی بدن است.

از نمایش‌ها کمک هزینه گرفته‌اند و باز معلوم نیست کدام نمایش‌ها، این مهم در دولت پیشین ممکن شده بود و دولت هر ساله بیلان مالی خود از جمله کمک‌هزینه‌ها را با مشخصات کامل اعلام می‌کرد، چیزی که دولت کنونی از آن اجتناب کرده است. با این حال مسأله استان‌ها می‌تواند محل جالبی باشد که دولت چه‌نقشی در آن ایفا می‌کند و اساساً چه‌رویکردی نسبت به آن دارد. برای آنکه نقدی عادلانه شکل بگیرد، به سراغ یکی از نمایش‌های موفق سال جاری خارج از تهران رفتیم تا ببینیم برای یک نمایش موفق با توجه به این آمار جذاب وضعیت به چه نحوی است.

پوریا قلی‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر است که پس از مراجعت از آلمان، سال‌ها است در زادگاهش کرمان مشغول به فعالیت است. برخلاف هم‌نسلاش که تهران را مقصد فعالیت خود بر می‌گزیند تا آخره قه‌مهاجرت بر تن می‌کنند، تصمیم می‌گیرد خارج از مرکز فعال باشد. فعالیت‌های آموزشی قلی‌پور در این سال‌ها منجر به اجراهای مختلف شده است که آخرینش «چه کسی مسیح را کشت؟» است. نمایشی انتقادی با رگه‌های سیاسی درباره نسبت حاکمان و مردمان، به لطف این تماشای نمایش از راه دور برای من میسر شد و دیدن آنبوهی هنرجوی جوان روی صحنه تئاتر کرمان که فاقد زیرساخت‌های تهران در حوزه اجرا و آموزش است، نویدبخش و امیدوارکننده بود. نمایشی که بیش از چهار سال تمرین‌ها و آموزش‌های صورت گرفته بود موفق می‌شود ۳۲ شب در کرمان روی صحنه برود. به یاد داشته باشیم میانگین اجرای آثار موفق در خارج از تهران عدد ۱۵ است و ما در این نمایش می‌پردازیم که دو برابر میانگین سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی تجربه کنند به توافق دست یافته‌اند. آثار متأخر افشاریان را می‌توان واکنش غمبار به اتفاقات اجتماعی و سیاسی معاصر دانست آن هم با نگاهی کمابیش حسرت‌بار و نوستالژیک به گذشته. فرم مورد علاقه افشاریان تک‌گویی‌هایی است شاعرانه و گاه طنزانه از باب مسائل مختلف جامعه ایران معاصر. این تک‌گویی‌ها که گاه شبیه سخنرانی‌های انگیزشی فستیوال TED است گاهی اوقات افشاریان را تا مقام یک مصلح اجتماعی بالای می‌برد که لایالی گفتار بلاغی‌اش، حکمت‌زدگی در دوران مدرن را می‌آموزاند. مخاطب این تک‌گویی‌ها طیف متنوعی از اقشار جامعه را شامل می‌شود: از تماشاگران حاضر در سالن اجرا تا سیاستمداران

در اغلب نقش‌هایی که در این سال‌ها نوشته و بازی کرده کمابیش شبیه خودش در زندگی هنری و اجتماعی بوده است. واقعیتی که با توجه به زست‌های بدنی، لحن، گفتار و حتی انتخاب کلمات بیش از گذشته مشهود است. اجرای «بک تو بلک» که کارنامه هنری افشاریان می‌تواند حرکت رو به جلویی باشد اگر که بپذیریم روایت بر محور زندگی یک سوژه انسانی همچون علی متمرکز شده و تلاش دارد از پرآکنندگی روایی نمایشی چون «هر کسی یاروز می‌میرد پاشب من شبانه‌روز» حذر کند. اما همچنان و سوسه شاعرانگی و نوستالژی‌گری در این اجرا هم مشاهده می‌شود. به هر حال وقتی قرار است زندگی یک زندانی که دقایق سختی را در زندان انفرادی می‌گذراند بازنمایی شود، بیش از آنکه گفتار زندانی دچار بحران شود، بدن جسمانی او است که تجربه زوال و ویرانی را از سر می‌گذراند. بنابراین در این اجرا بدن چندان سختی‌زدان را بازنمایی نمی‌کند و در مقابل این گفتار است که با شاعرانگی و نوستالژی، زمان تقریباً یک‌ساعته نمایش را به تسخیر خود در آورده است. از این باب «بک تو بلک» را می‌توان نمایشی کلام‌محور در خدمت بازتولید آن شکلی از اجزادانست که سجاد افشاریان در این سال‌ها به آن دامن زده و پرورش داده است. اگر قرار است این نمایش بازگشت به ظلمات زندگی یک محکوم به زندان انفرادی را بازتاب دهد، ادوات اجرایی این منظوره نه کلام که از قضانیروهای حیاتی بدن است.

از نمایش‌ها کمک هزینه گرفته‌اند و باز معلوم نیست کدام نمایش‌ها، این مهم در دولت پیشین ممکن شده بود و دولت هر ساله بیلان مالی خود از جمله کمک‌هزینه‌ها را با مشخصات کامل اعلام می‌کرد، چیزی که دولت کنونی از آن اجتناب کرده است. با این حال مسأله استان‌ها می‌تواند محل جالبی باشد که دولت چه‌نقشی در آن ایفا می‌کند و اساساً چه‌رویکردی نسبت به آن دارد. برای آنکه نقدی عادلانه شکل بگیرد، به سراغ یکی از نمایش‌های موفق سال جاری خارج از تهران رفتیم تا ببینیم برای یک نمایش موفق با توجه به این آمار جذاب وضعیت به چه نحوی است.

پوریا قلی‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر است که پس از مراجعت از آلمان، سال‌ها است در زادگاهش کرمان مشغول به فعالیت است. برخلاف هم‌نسلاش که تهران را مقصد فعالیت خود بر می‌گزیند تا آخره قه‌مهاجرت بر تن می‌کنند، تصمیم می‌گیرد خارج از مرکز فعال باشد. فعالیت‌های آموزشی قلی‌پور در این سال‌ها منجر به اجراهای مختلف شده است که آخرینش «چه کسی مسیح را کشت؟» است. نمایشی انتقادی با رگه‌های سیاسی درباره نسبت حاکمان و مردمان، به لطف این تماشای نمایش از راه دور برای من میسر شد و دیدن آنبوهی هنرجوی جوان روی صحنه تئاتر کرمان که فاقد زیرساخت‌های تهران در حوزه اجرا و آموزش است، نویدبخش و امیدوارکننده بود. نمایشی که بیش از چهار سال تمرین‌ها و آموزش‌های صورت گرفته بود موفق می‌شود ۳۲ شب در کرمان روی صحنه برود. به یاد داشته باشیم میانگین اجرای آثار موفق در خارج از تهران عدد ۱۵ است و ما در این نمایش می‌پردازیم که دو برابر میانگین سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی تجربه کنند به توافق دست یافته‌اند. آثار متأخر افشاریان را می‌توان واکنش غمبار به اتفاقات اجتماعی و سیاسی معاصر دانست آن هم با نگاهی کمابیش حسرت‌بار و نوستالژیک به گذشته. فرم مورد علاقه افشاریان تک‌گویی‌هایی است شاعرانه و گاه طنزانه از باب مسائل مختلف جامعه ایران معاصر. این تک‌گویی‌ها که گاه شبیه سخنرانی‌های انگیزشی فستیوال TED است گاهی اوقات افشاریان را تا مقام یک مصلح اجتماعی بالای می‌برد که لایالی گفتار بلاغی‌اش، حکمت‌زدگی در دوران مدرن را می‌آموزاند. مخاطب این تک‌گویی‌ها طیف متنوعی از اقشار جامعه را شامل می‌شود: از تماشاگران حاضر در سالن اجرا تا سیاستمداران

در اغلب نقش‌هایی که در این سال‌ها نوشته و بازی کرده کمابیش شبیه خودش در زندگی هنری و اجتماعی بوده است. واقعیتی که با توجه به زست‌های بدنی، لحن، گفتار و حتی انتخاب کلمات بیش از گذشته مشهود است. اجرای «بک تو بلک» که کارنامه هنری افشاریان می‌تواند حرکت رو به جلویی باشد اگر که بپذیریم روایت بر محور زندگی یک سوژه انسانی همچون علی متمرکز شده و تلاش دارد از پرآکنندگی روایی نمایشی چون «هر کسی یاروز می‌میرد پاشب من شبانه‌روز» حذر کند. اما همچنان و سوسه شاعرانگی و نوستالژی‌گری در این اجرا هم مشاهده می‌شود. به هر حال وقتی قرار است زندگی یک زندانی که دقایق سختی را در زندان انفرادی می‌گذراند بازنمایی شود، بیش از آنکه گفتار زندانی دچار بحران شود، بدن جسمانی او است که تجربه زوال و ویرانی را از سر می‌گذراند. بنابراین در این اجرا بدن چندان سختی‌زدان را بازنمایی نمی‌کند و در مقابل این گفتار است که با شاعرانگی و نوستالژی، زمان تقریباً یک‌ساعته نمایش را به تسخیر خود در آورده است. از این باب «بک تو بلک» را می‌توان نمایشی کلام‌محور در خدمت بازتولید آن شکلی از اجزادانست که سجاد افشاریان در این سال‌ها به آن دامن زده و پرورش داده است. اگر قرار است این نمایش بازگشت به ظلمات زندگی یک محکوم به زندان انفرادی را بازتاب دهد، ادوات اجرایی این منظوره نه کلام که از قضانیروهای حیاتی بدن است.

از نمایش‌ها کمک هزینه گرفته‌اند و باز معلوم نیست کدام نمایش‌ها، این مهم در دولت پیشین ممکن شده بود و دولت هر ساله بیلان مالی خود از جمله کمک‌هزینه‌ها را با مشخصات کامل اعلام می‌کرد، چیزی که دولت کنونی از آن اجتناب کرده است. با این حال مسأله استان‌ها می‌تواند محل جالبی باشد که دولت چه‌نقشی در آن ایفا می‌کند و اساساً چه‌رویکردی نسبت به آن دارد. برای آنکه نقدی عادلانه شکل بگیرد، به سراغ یکی از نمایش‌های موفق سال جاری خارج از تهران رفتیم تا ببینیم برای یک نمایش موفق با توجه به این آمار جذاب وضعیت به چه نحوی است.

پوریا قلی‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر است که پس از مراجعت از آلمان، سال‌ها است در زادگاهش کرمان مشغول به فعالیت است. برخلاف هم‌نسلاش که تهران را مقصد فعالیت خود بر می‌گزیند تا آخره قه‌مهاجرت بر تن می‌کنند، تصمیم می‌گیرد خارج از مرکز فعال باشد. فعالیت‌های آموزشی قلی‌پور در این سال‌ها منجر به اجراهای مختلف شده است که آخرینش «چه کسی مسیح را کشت؟» است. نمایشی انتقادی با رگه‌های سیاسی درباره نسبت حاکمان و مردمان، به لطف این تماشای نمایش از راه دور برای من میسر شد و دیدن آنبوهی هنرجوی جوان روی صحنه تئاتر کرمان که فاقد زیرساخت‌های تهران در حوزه اجرا و آموزش است، نویدبخش و امیدوارکننده بود. نمایشی که بیش از چهار سال تمرین‌ها و آموزش‌های صورت گرفته بود موفق می‌شود ۳۲ شب در کرمان روی صحنه برود. به یاد داشته باشیم میانگین اجرای آثار موفق در خارج از تهران عدد ۱۵ است و ما در این نمایش می‌پردازیم که دو برابر میانگین سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی تجربه کنند به توافق دست یافته‌اند. آثار متأخر افشاریان را می‌توان واکنش غمبار به اتفاقات اجتماعی و سیاسی معاصر دانست آن هم با نگاهی کمابیش حسرت‌بار و نوستالژیک به گذشته. فرم مورد علاقه افشاریان تک‌گویی‌هایی است شاعرانه و گاه طنزانه از باب مسائل مختلف جامعه ایران معاصر. این تک‌گویی‌ها که گاه شبیه سخنرانی‌های انگیزشی فستیوال TED است گاهی اوقات افشاریان را تا مقام یک مصلح اجتماعی بالای می‌برد که لایالی گفتار بلاغی‌اش، حکمت‌زدگی در دوران مدرن را می‌آموزاند. مخاطب این تک‌گویی‌ها طیف متنوعی از اقشار جامعه را شامل می‌شود: از تماشاگران حاضر در سالن اجرا تا سیاستمداران

در اغلب نقش‌هایی که در این سال‌ها نوشته و بازی کرده کمابیش شبیه خودش در زندگی هنری و اجتماعی بوده است. واقعیتی که با توجه به زست‌های بدنی، لحن، گفتار و حتی انتخاب کلمات بیش از گذشته مشهود است. اجرای «بک تو بلک» که کارنامه هنری افشاریان می‌تواند حرکت رو به جلویی باشد اگر که بپذیریم روایت بر محور زندگی یک سوژه انسانی همچون علی متمرکز شده و تلاش دارد از پرآکنندگی روایی نمایشی چون «هر کسی یاروز می‌میرد پاشب من شبانه‌روز» حذر کند. اما همچنان و سوسه شاعرانگی و نوستالژی‌گری در این اجرا هم مشاهده می‌شود. به هر حال وقتی قرار است زندگی یک زندانی که دقایق سختی را در زندان انفرادی می‌گذراند بازنمایی شود، بیش از آنکه گفتار زندانی دچار بحران شود، بدن جسمانی او است که تجربه زوال و ویرانی را از سر می‌گذراند. بنابراین در این اجرا بدن چندان سختی‌زدان را بازنمایی نمی‌کند و در مقابل این گفتار است که با شاعرانگی و نوستالژی، زمان تقریباً یک‌ساعته نمایش را به تسخیر خود در آورده است. از این باب «بک تو بلک» را می‌توان نمایشی کلام‌محور در خدمت بازتولید آن شکلی از اجزادانست که سجاد افشاریان در این سال‌ها به آن دامن زده و پرورش داده است. اگر قرار است این نمایش بازگشت به ظلمات زندگی یک محکوم به زندان انفرادی را بازتاب دهد، ادوات اجرایی این منظوره نه کلام که از قضانیروهای حیاتی بدن است.

از نمایش‌ها کمک هزینه گرفته‌اند و باز معلوم نیست کدام نمایش‌ها، این مهم در دولت پیشین ممکن شده بود و دولت هر ساله بیلان مالی خود از جمله کمک‌هزینه‌ها را با مشخصات کامل اعلام می‌کرد، چیزی که دولت کنونی از آن اجتناب کرده است. با این حال مسأله استان‌ها می‌تواند محل جالبی باشد که دولت چه‌نقشی در آن ایفا می‌کند و اساساً چه‌رویکردی نسبت به آن دارد. برای آنکه نقدی عادلانه شکل بگیرد، به سراغ یکی از نمایش‌های موفق سال جاری خارج از تهران رفتیم تا ببینیم برای یک نمایش موفق با توجه به این آمار جذاب وضعیت به چه نحوی است.

پوریا قلی‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر است که پس از مراجعت از آلمان، سال‌ها است در زادگاهش کرمان مشغول به فعالیت است. برخلاف هم‌نسلاش که تهران را مقصد فعالیت خود بر می‌گزیند تا آخره قه‌مهاجرت بر تن می‌کنند، تصمیم می‌گیرد خارج از مرکز فعال باشد. فعالیت‌های آموزشی قلی‌پور در این سال‌ها منجر به اجراهای مختلف شده است که آخرینش «چه کسی مسیح را کشت؟» است. نمایشی انتقادی با رگه‌های سیاسی درباره نسبت حاکمان و مردمان، به لطف این تماشای نمایش از راه دور برای من میسر شد و دیدن آنبوهی هنرجوی جوان روی صحنه تئاتر کرمان که فاقد زیرساخت‌های تهران در حوزه اجرا و آموزش است، نویدبخش و امیدوارکننده بود. نمایشی که بیش از چهار سال تمرین‌ها و آموزش‌های صورت گرفته بود موفق می‌شود ۳۲ شب در کرمان روی صحنه برود. به یاد داشته باشیم میانگین اجرای آثار موفق در خارج از تهران عدد ۱۵ است و ما در این نمایش می‌پردازیم که دو برابر میانگین سال گذشته» هیچ مبلغ حمایتی برای «حمایت از تولید و اجرای عموم» به انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و ریز نشده است و عملاً حمایتی از اجراهای عموم در استان‌ها انجام نشده است. بنابراین اگر حمایتی در استان‌ها از گروه‌های شده مستقیماً توسط مرکز بوده است. نتیجه آنکه در دو سال گذشته هیچ بودجه‌ای با چنین تعریفی (حمایت از تولید و اجرای عموم) به استان‌ها اختصاص نیافته است.»

این پیامی است که با امضای مدیران انجمن‌های استانی منتشر شده است. علاوه بر این براساس آمار تنها ۶۰۹ درصد از تضمین خواهد کرد چرا که هر دو طرف این معادله، به فهم مشترکی از انتظارات متقابل رسیده و در رابطه با آنچه که می‌خواهند در حضور آن یکی